



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



بازخوانی
صبا از فیلم‌های
نوستالژیک سینمای
جنگ؛ «باشو، غریبه‌ای
کوچک»، ساخته
بهرام بیضایی

سینمای انسانی در دل جنگ

را از خانواده و سرزمینشان جدا کرده است. نایی نماینده نسلی است که با پذیرش و مهر خود، انسجام اجتماعی و اخلاقی را حفظ می‌کند. تعامل میان این دو شخصیت، نماد همزیستی، مقاومت و انسانیت در دل شرایط بحرانی است. بیضایی با خلق چنین داستانی، نشان می‌دهد که قهرمانی همیشه در میدان جنگ نیست؛ گاهی در دل یک زن کشاورز شمالی است که با فکر و عشق خود، یک غریبه کوچک را فرزند خود می‌کند.

فیلم همزمان با پرداخت به جزئیات انسانی، نگاه اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. تنش‌های میان نایی و همسایگان، نگاه‌های قضاوت‌گرانه و مقاومت او در برابر فشارهای محیطی، تصویری دقیق از جامعه آن دوران ارائه می‌دهند. این جنبه از فیلم، اهمیت آن را فراتر از یک درام خانوادگی ساده می‌برد و به یک بیانیه اجتماعی و اخلاقی بدل می‌کند. بیضایی نشان می‌دهد که در شرایط دشوار، انتخاب‌های فردی و اخلاقی می‌توانند تأثیری بزرگ بر زندگی دیگران داشته باشند.

فضاسازی صوتی و تصویری فیلم نیز به دقت طراحی شده است. صدای باد، باران و حتی سکوت‌های طولانی، حس غربت و انتظار را تقویت می‌کنند. حضور محیط طبیعی، حس حضور واقعی در داستان و مکان را به مخاطب منتقل می‌کند. این توجه به طبیعت و جزئیات محیطی، تجربه انسانی فیلم را عمیق‌تر می‌کند و نشان می‌دهد که شرایط زندگی و محیط اطراف می‌توانند بر رشد شخصیت‌ها و روابط انسانی اثرگذار باشند.

در نهایت، «باشو، غریبه‌ای کوچک» نه تنها یک فیلم جنگی است، بلکه یک اثر انسانی و فرهنگی با ابعاد گسترده است. بیضایی در دل جنگ، تصویری از همزیستی، عشق و مقاومت ارائه می‌دهد. او نشان می‌دهد که سینما می‌تواند با روایت داستان‌های ساده و ملموس، مفاهیم پیچیده انسانی و اخلاقی را منتقل کند و قهرمانی گاه نه با تفنگ، بلکه با مهربانی، پذیرش و مقاومت شکل می‌گیرد.

این فیلم تا امروز زنده مانده و همچنان درباره اش حرف می‌زنیم؛ چون فراتر از یک روایت جنگی است، یک اثر ماندگار درباره انسانیت، فرهنگ و عشق به دیگری است. «باشو» اثری است که یادآور ارزش‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی است و نشان می‌دهد حتی در سخت‌ترین شرایط، انسانیت می‌تواند پیروز باشد.

صحبت از بهرام بیضایی همیشه دشوار و در عین حال شیرین است. او نه تنها یکی از مهم‌ترین فیلمسازان سینمای ایران است، بلکه پژوهشگر اسطوره، نمایش و تاریخ هم بود؛ همین پشتوانه باعث شد فیلم‌هایش هویتی متمایز پیدا کنند. شاید بتوان گفت در سینمای ایران، کمتر کسی به اندازه بیضایی به نقش و جایگاه زن توجه داشته است. خودش بارها گفته بود که به خاطر همین محوریت دادن به شخصیت زن، سال‌ها از فیلمسازی محروم بوده است.

امیر افشار فتوحی
بازخوانی

دهد زبان عشق و انسانیت فراتر از مرزهای قومی و جغرافیایی است. مخاطب حس می‌کند که با وجود تفاوت‌ها، روابط انسانی و محبت می‌توانند پلی بین قلب‌ها بسازند. این جزئیات کوچک، اما تأثیرگذار، نشان دهنده دقت بیضایی در خلق شخصیت‌ها و درام هستند.

از نظر کارگردانی، «باشو» شاهکاری در میزانشن و استفاده از فضاهای طبیعی است. بیضایی دوربینش را در دل طبیعت می‌گذارد، کوه‌ها، شالیزارها و باران، همه جزئی از روایت می‌شوند و نه صرفاً پس‌زمینه‌ای بصری. او با قاب‌بندی‌های ساده اما دقیق، حس غربت و امنیت را هم‌زمان منتقل می‌کند. تضاد رنگ‌ها؛ لباس‌های خاک‌آلود و رنگ تیره باشو در مقابل سبزی شالیزار؛ حس ورود یک غریبه به جهانی تازه را به تصویر می‌کشد و این به تنهایی خودش استعاره‌ای تصویری است. حتی حرکت دوربین، زاویه نور و نحوه ثبت جزئیات محیط، همگی با هدف نشان دادن تطابق یا عدم تطابق باشو با جهان اطرافش طراحی شده‌اند.

بازی‌ها زیر نظر دقیق بیضایی شکل گرفته‌اند و عمق انسانی فیلم را دوچندان می‌کنند. سوسن تسلیمی در نقش نایی حضور بی‌بدیلی دارد. هم مادرانه است، هم محکم و قاطع. او نمونه همان زنانی است که بیضایی همیشه به آن‌ها باور داشته است؛ زنانی که روایت را پیش می‌برند و بار احساسی داستان را به دوش می‌کشند. بازی عدنان عفرایی در نقش باشو نیز با معصومیت، سکوت و نگاه‌های نافذش، بار احساسی فیلم را مضاعف می‌کند. حتی سکوت‌های طولانی و نگاه‌های مبهم باشو به محیط و مردم اطرافش، مخاطب را درگیر ذهن و احساسات کودک می‌کند. این توجه به جزئیات روانشناختی، نشان دهنده تیزبینی بیضایی در ساخت و پرورش شخصیت‌هاست.

«باشو، غریبه‌ای کوچک» نه تنها در سطح داستانی، بلکه در سطح نمادین و فرهنگی هم اهمیت دارد. باشو نماینده کودکانی است که جنگ آن‌ها

یکی از بهترین نمونه‌های این نگاه، فیلم «باشو، غریبه‌ای کوچک» است؛ اثری که در سال ۱۳۶۴ ساخته شد اما به دلیل شرایط زمانه، چند سال در محاق ماند و سرانجام در سال ۱۳۶۹ به نمایش عمومی درآمد. همین فاصله پنج ساله خود نشان دهنده فضای دشوار و پیچیده سینمای ایران در دهه شصت است، جایی که سیاست، جنگ و ساختار فرهنگی محدودیت‌های زیادی بر فیلمسازان تحمیل می‌کرد.

«باشو» در میانه جنگ ساخته شد، اما جنگ در آن نه از زاویه توپ و تفنگ، بلکه از زاویه زندگی روزمره آدم‌هایی عادی روایت می‌شود. بیضایی جنگ را در دل یک خانواده کشاورز شمالی و یک کودک آواره جنوبی تعریف می‌کند؛ این زاویه دید تازه، خودش نشان دهنده خلاقیت و نگاه انسانی اوست.

اگر به فیلمنامه نگاه کنیم، «باشو» ساختاری ساده دارد، اما لایه‌های معنایی آن بسیار عمیق هستند. داستان پسری به نام باشو است که خانواده‌اش را در جنگ از دست می‌دهد و سر از شمال کشور در می‌آورد. آن‌جا زنی به نام نایی او را می‌پذیرد و زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کند. اما اصل درام، نه فقط در ورود باشو، بلکه در کشمکش نایی با اطرافیان و حتی با خودش شکل می‌گیرد. اینجا بیضایی انتخابی مهم می‌کند و نایی را قهرمان واقعی داستان قرار می‌دهد. اوست که تصمیم می‌گیرد، مقاومت می‌کند و با نگاه انسانی خود، قضاوت‌های اجتماعی و محدودیت‌های سنتی را می‌شکند. حضور او در داستان، نوعی بیانیه فرهنگی و اجتماعی است که می‌گوید قهرمانی گاه نه در میدان جنگ، بلکه در دل زندگی روزمره و در تصمیم‌های اخلاقی شکل می‌گیرد.

زبان فیلمنامه هم هنرمندانه است. باشو با زبان جنوبی حرف می‌زند و نایی با گویش شمالی. این ناهماهنگی زبانی به ظاهر مانع ارتباط درو شخصیت است، اما بیضایی از آن یک ابزار دراماتیک می‌سازد تا نشان

شکارگاه

